

**Reparation of Moral Damages in International Law with Emphasis on  
ICJ's Judgment in Congo v. Uganda Case (2022)**

**Siamak Karimi \***

**(DOI) : CILAMAG.2022.252562**

**(DOR) : 20.1001.1.2251614.1402.40.69.5.4**

**Abstract**

One of the inalienable effects of international responsibility of States is the full reparation of the consequences of wrongdoing. Unlike restitution and compensation, which are mainly used to compensate material damage, satisfaction has been considered as an appropriate method of compensating non-pecuniary damage by State practice, case law and especially the ILC. The study of these procedures shows that satisfaction is generally obtained through processes such as apologizing, declaring the act as a wrongful act, punishing the perpetrators, and so on. On the other hand, financially satisfaction faces serious challenges, but the studies of this article show that it is exceptionally accepted in case of severe and systematic moral damage to non-State entities. The February 9, 2022 judgment of the ICJ in the case of Congo v. Uganda was an opportunity for the Court to resolve the ambiguities of satisfaction. However, as this article will show, this ruling has deepened these doubts, and the Court has reached findings for which no record is available.

**Keywords**

Moral Damage, Reparation, Satisfaction, Congo v. Uganda Case (2022), International Responsibility.

---

\* PhD of Public International Law, University of Tehran, Adjunct Professor of Farabi Campus of Tehran University, karimi.sia@gmail.com



## جبران خسارات غیرمادی در حقوق بین‌الملل با تأکید بر رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده کنگو علیه اوگاندا (۲۰۲۲)

دکتر سیامک کریمی \*

(DOI) : CILAMAG.2022.252562

(DOR) : 20.1001.1.2251614.1402.40.69.5.4

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۰۳

### چکیده

یکی از پیامدهای گزیرناپذیر مسئولیت بین‌المللی برای دولت‌ها، تعهد به جبران کامل خسارات ناشی از عمل متخلفانه است. برخلاف اعاده و غرامت که عمدتاً برای جبران زیان مادی کاربرد دارند، رویه دولتی، رویه قضایی و به‌ویژه کمیسیون حقوق بین‌الملل، جلب رضایت را روش مناسب جبران زیان غیرمادی می‌دانند. بررسی این رویه‌ها نشان می‌دهد که جلب رضایت عموماً از طریق فراگردهایی همچون عذرخواهی، اعلام متخلفانه بودن عمل و تعقیب و کیفر خاطیان صورت می‌پذیرد. در مقابل، جلب رضایت به روش مالی با چالش‌های جدی مواجه است اما بررسی‌های این مقاله نشان می‌دهد که به‌طور استثنایی در صورت ایراد زیان غیرمادی شدید و نظام‌مند به موجودیت‌های غیردولتی پذیرفته شد. رأی ۹ فوریه ۲۰۲۲ دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه جبران خسارت (کنگو علیه اوگاندا) فرصتی بود تا دیوان ابهام‌های موجود درباره جلب رضایت را برطرف کند. اما همان‌گونه که این مقاله نشان خواهد داد، این رأی تردیدها را عمیق‌تر کرده و دیوان به یافته‌هایی رسیده است که هیچ سابقه‌ای برای آن‌ها در دست نیست.

### واژگان کلیدی

زیان غیرمادی، جبران خسارت، جلب رضایت، قضیه کنگو علیه اوگاندا (۲۰۲۲)، مسئولیت بین‌المللی

### مقدمه

هر تخلف بین المللی دولت باعث مسئولیت بین المللی آن دولت است. این مفاد در ماده ۱ پیش نویس مسئولیت دولت‌ها بابت اعمال متخلفانه بین المللی (زین پس پیش نویس مسئولیت) متبلور شده است. به تعبیر کمیسیون حقوق بین الملل (زین پس کمیسیون) در «شرح و تفسیر»<sup>۱</sup> اول از ماده ۱ پیش نویس مسئولیت، رابطه خودکار میان تخلف بین المللی و مسئولیت دولت، «ریشه» تمامی مواد پیش نویس مسئولیت به شمار می آید. همان گونه که جیمز کرافورد،<sup>۲</sup> آخرین گزارشگر کمیسیون در تدوین پیش نویس مسئولیت نوشته است، این رابطه خودکار میان تخلف و مسئولیت، مبین آن است که پیامدهای مسئولیت بین المللی برای یک دولت، بیش از آنکه «حق دولت صدمه دیده» باشد باید به عنوان «پیامد گریزناپذیر تخلف بین المللی» تلقی شود که فارغ از خواست دولت زیان دیده برقرار می شود.<sup>۳</sup> یکی از این پیامدهای گریزناپذیر، تعهد دولت متخلف به جبران کامل خسارات ناشی از تخلف بین المللی است. هدف از جبران کامل خسارت، «بازگشت تعادل گذشته» میان دولت متخلف و دولت زیان دیده است. در حقیقت، نهاد جبران خسارت می کوشد تا وضعیتی را پدید آورد که در صورت عدم وقوع تخلف وجود می داشت. به همین دلیل نباید جبران خسارت، به تنبیه دولت متخلف یا اعطای حقوق بیشتر به دولت زیان دیده در قیاس با قبل از وقوع تخلف منجر شود.<sup>۴</sup> تعهد به جبران خسارت در ماده ۳۱ پیش نویس مسئولیت متبلور شده است. دیوان بین المللی دادگستری نیز در قضیه جبران خسارت میان کنگو و اوگاندا (۲۰۲۲) (زین پس قضیه جبران خسارت) اعلام کرد که ماده مذکور، بخشی از حقوق بین الملل عرفی قلمداد می شود.<sup>۵</sup> ماده ۳۴ پیش نویس مسئولیت، جبران کامل خسارات را از طریق اعاده، پرداخت غرامت و جلب رضایت، خواه منفرداً خواه توأماً اعلام کرده است. دیوان نیز در سه قضیه جبران خسارت،<sup>۶</sup> برخی فعالیت‌های نیکاراگوئه در مناطق مرزی<sup>۷</sup> و خمیر کاغذ،<sup>۸</sup> بدون آنکه متذکر عرفی بودن ماده ۳۴ شود، روش‌های موجود در این ماده را متدهای مناسب جبران کامل خسارت معرفی کرده است. در مقابل، اقلیت دکتترین از جمله / امراسینگه،<sup>۹</sup> حقوق دان مشهور سریلانکایی

1. Commentary

2. James Crawford

۳. کرافورد، جیمز؛ *مسئولیت بین المللی دولت: قواعد عمومی*، ترجمه: علیرضا ابراهیم گل و همکاران، سنگلج، ۱۳۹۵، ص ۳۷۹.

۴. کولب، رابرت؛ *بایسته‌های حقوق مسئولیت بین المللی*، ترجمه: حسین سادات میدانی و همکاران، مرکز مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۴۰۰، ص ۱۷۲.

5. ICJ Rep., 2022, p. 28, para. 70.

6. *Ibid.*, p. 34, para. 101.

7. ICJ Rep., 2018 (I), p. 26, para. 31.

8. ICJ Rep., 2010, pp. 103-104, para. 273.

9. Amerasinghe

اعتقاد دارد که جلب رضایت را که معادل فارسی کلمه Satisfaction است، باید از ردیف متدهای عرفی جبران خسارت خارج کرد.<sup>۱۰</sup>

ظاهراً استثنایی بودن جلب رضایت، دست‌مایه انکار جایگاه حقوقی آن به‌عنوان یکی از روش‌های جبران کامل خسارت نزد اقلیت دکترین شده است. در حقیقت، همان‌گونه که کمیسیون اظهار داشته، «جلب رضایت، نوع مرسوم جبران خسارت به شمار نمی‌آید»،<sup>۱۱</sup> چرا که در بسیاری موارد، خسارت از طریق اعاده یا پرداخت غرامت جبران می‌شود. به همین دلیل نیز ماده (۱) ۳۷ پیش‌نویس مسئولیت مقرر داشته است که «دولت مسئول، متعهد است بابت خسارات وارده... تا جایی که از طرق اعاده یا غرامت امکان‌پذیر نیست، رضایت [دولت زیان‌دیده] را جلب کند». با عنایت به اینکه زیان مادی عموماً از طریق اعاده یا غرامت قابل جبران است، جلب رضایت، روشی برای جبران آن دسته از زیان‌هایی تلقی می‌شود که مادی نبوده<sup>۱۲</sup> یا به زبان کمیسیون، «قابلیت تقویم مالی نداشته و... غالباً جنبه نمادین دارند».<sup>۱۳</sup> مثلاً در قضیه کانال کورفو، بریتانیا بابت خسارات مالی وارده به کشتی‌هایش به دنبال غرامت بود اما در مقابل، آلبانی بابت خسارت به حاکمیت سرزمینی خود که خسارتی غیرمادی است، طلب جلب رضایت داشت.<sup>۱۴</sup> دیوان نیز در پاسخ اعلام داشت که اعلام وقوع تخلف بین‌المللی توسط بریتانیا جلب رضایتی مناسب به شمار می‌آید.<sup>۱۵</sup> به این ترتیب، جلب رضایت برخلاف اعاده و غرامت دارای انعطاف بیشتری بوده و به روش‌های مختلف از جمله عذرخواهی، پذیرش نقض تعهد و ابراز تأسف انجام می‌گیرد. نکته مهم و اختلافی در این زمینه این واقعیت است که اگرچه این روش برای جبران خسارات غیرمادی کاربرد دارد، می‌تواند به روش پرداخت وجه یا دارایی نیز محقق شود.<sup>۱۶</sup> اما گروه دیگری از دکترین<sup>۱۷</sup> بر این اعتقادند که جلب رضایت در درجه نخست با روش‌های غیرمالی نظیر عذرخواهی شدنی است و جلب رضایت مالی در موقعیت‌هایی کاملاً استثنایی و صرفاً بابت خسارات به موجودیت‌های غیردولتی اجرا می‌شود. صدور رأی اخیر دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه جبران خسارت در ۹ فوریه ۲۰۲۲ که در بخشی از آن نیز به جلب رضایت پرداخته شده

10. Amerasinghe, Chitharanjan, *Jurisdiction of Specific International Tribunals*, Martinus Nijhoff, 2011, p. 417.

11. ARSIWA, Art. 37, commentary. 1.

12. Gray, Christine, *Judicial Remedies in International Law*, Bidles, 2012, p. 42.

13. ARSIWA, Art. 37, Commentary. 3.

14. ICJ Rep., 1948, Counter-memorial submitted by Albania, p. 146.

15. ICJ Rep., 1949, p. 36.

16. Stoica, Victor, *Remedies before the International Court of Justice: A Systemic Analysis*, Oxford University Press, 2021, p. 148.

۱۷. از جمله، ن.ک:

Wittich, S., "Non-Material Damage and Monetary Reparation in International Law", *Finnish Yearbook of International Law*, vol. 15, 2004, pp. 329–330.

و حتی ابهام را در این زمینه افزایش داده است، ضرورت مطالعه این روش جبران خسارت را دوچندان می‌کند. به همین دلیل، این مقاله می‌کوشد تا مبانی، ابعاد و ابهام‌های موجود در خصوص جلب رضایت را بررسی کند. به این ترتیب، در بخش نخست، مفهوم زیان غیرمادی که مستند به آن می‌توان از جلب رضایت استفاده کرد، تعریف و تبیین می‌شود. در بخش دوم، مصادیق جلب رضایت واکاوی شده و مالی یا غیرمالی بودن آن به بحث گذارده می‌شود. در بخش سوم مقاله نیز جایگاه و رفتار دیوان نسبت به جلب رضایت در قضیه جبران خسارات مطالعه شده است تا مشخص شود که نتایج حاصل از مطالعات بخش‌های قبل تا چه اندازه با رهیافت دیوان در قضیه اخیر همخوانی دارد.

## ۱. تعریف زیان غیرمادی

بند دوم ماده ۳۱ پیش‌نویس مسئولیت اشعار می‌دارد: «زیان شامل هر نوع خسارتی اعم از مادی یا غیرمادی... است». زیان مادی به خسارت به اموال یا دیگر منافع واقعی و ملموس یک دولت و اتباع‌اش اشاره دارد که با روش‌های مالی قابل ارزیابی است.<sup>۱۸</sup> اما در خصوص زیان غیرمادی یا معنوی تعریف دقیقی وجود ندارد. این نوع زیان عموماً «منشأ انسانی» داشته و به معنای رنج و اندوه ناشی از یک واقعه است و بنابراین در نگاه نخست، انتساب آن به دولت که فاقد هر نوع احساس انسانی است، تناقض‌آمیز به نظر می‌رسد.<sup>۱۹</sup> زیان غیرمادی که بیشتر محصول ایده‌پردازی‌ها در نظام حقوقی «مدون»<sup>۲۰</sup> است، به این دلیل نضج گرفت تا همه انواع زیان وارده به طرف زیان‌دیده و نه فقط زیان‌های مادی را به قاعده درآورد.<sup>۲۱</sup> ساده‌ترین تعریفی که می‌توان از زیان غیرمادی به دست داد به طریق برهان خلف حاصل می‌آید. به عبارت دیگر، هر نوع زبانی که جنبه اقتصادی و مالی نداشته باشد به‌عنوان زیان غیرمالی طبقه‌بندی می‌شود. در نتیجه، به لسان کمیسیون دعاوی مختلط آلمان و مکزیک در قضیه لوئیزتانیانیا اگرچه این نوع زیان‌ها به‌سختی قابل ارزیابی هستند، واقعیت دارند و باید جبران شوند.<sup>۲۲</sup>

عموماً زیان غیرمادی شامل دو مصداق متفاوت است: زیان غیرمادی به دولت و زیان غیرمادی به اتباع دولت. زیان به اتباع دولت، شامل مسائلی همچون درد و رنج شخصی یا

۱۸. کرافورد؛ همان، ص ۶۰۷

19. Pirim, Ceren, "Reparation by Pecuniary Means of Direct Moral Damages Suffered by States as a Result of Internationally Wrongful Acts", *Journal of International Dispute Settlement*, vol. 11, 2020, p. 243.

20. Civil Law

21. Markert, L., Freiburg, E., "Moral Damages in International Investment Disputes-On the Search for a Legal Basis and Guiding Principles", *Journal of World Investment & Trade*, vol. 14, 2018, p. 3.

22. Lusitania Cases, US-Germany Mixed Claims Commission, 1923, UNRIAA, vol. VII, p. 32.

از دست دادن عزیزان است<sup>۳۳</sup> و می‌تواند طیف گسترده‌ای را شامل شود. مثلاً دیوان امریکایی حقوق بشر در قضیه کودکان خیابانی،<sup>۳۴</sup> دعوا علیه گواتمالا می‌گوید که زیان معنوی به اشخاص می‌تواند شامل رنج و استرس قربانیان مستقیم و خویشاوندان آن‌ها و همچنین نقض ارزش‌هایی شود که برای این افراد واجد اهمیت است.<sup>۳۵</sup> برخی از دکتین، قلمرو این نوع از زیان را موسع دانسته و آن را شامل هر نوع زیان به شهرت، حیات، امنیت روانی و عاطفی افراد و خویشاوندان می‌دانند.<sup>۳۶</sup> در مقابل، زیان معنوی به دولت، عمدتاً شامل نقض حاکمیت یک دولت یا تمامیت سرزمینی آن یا اهانت به نمایندگان، نمادها یا شئون آن است. اما برخلاف زیان غیرمادی به اشخاص، زیان غیرمادی به دولت نمی‌تواند بسیار موسع تعریف شود؛ در نتیجه، برهم خوردن نظم حقوقی داخلی در اثر تخلف یک دولت خارجی، اگرچه نوعاً زبانی غیرمادی است، در نظم حقوقی بین‌المللی قابل مطالبه نخواهد بود.<sup>۳۷</sup> تمایز میان این دو نوع زیان صرفاً جنبه تئوریک ندارد بلکه همان‌طور که خواهد آمد، رویه قضایی و داوری بین‌المللی به هنگام صدور حکم به جلب رضایت در خصوص زیان غیرمادی به اشخاص، جلب رضایت از طریق پرداخت وجوه مالی را راحت‌تر پذیرفته‌اند.

اگرچه مصادیق زیان غیرمادی نوعاً قابل احصاء هستند، در خصوص یکی از مصادیق آن یعنی «زیان حقوقی»، بحث‌ها و چالش‌هایی ادامه‌دار وجود دارد، از جمله آنکه آیا می‌توان این نوع از زیان را یکی از زیان‌های غیرمادی شایسته جبران از طریق جلب رضایت دانست؟ به واسطه همین ابهام، بخش جداگانه‌ای به بررسی زیان حقوقی اختصاص یافته است.

زیان حقوقی به معنای زیان ناشی از صرف وقوع نقض تعهد بین‌المللی است. به عبارت دیگر، هر زمان حق قانونی یک دولت نقض شود، زیان حقوقی به وجود می‌آید.<sup>۳۸</sup> همان‌طور که از تعریف فوق برمی‌آید، هر تخلف بین‌المللی هم‌زمان زیان حقوقی را نیز به همراه دارد. با وجود این، توجه به دو نکته در این زمینه ضروری است. اول آنکه چون زیان حقوقی از حیث لغت و معنانشناسی، صرفاً ناظر بر نقض یک تعهد بین‌المللی است، این نوع زیان در دسته زیان‌های غیرمادی قرار می‌گیرد. ثانیاً اگرچه هر نوع زیان غیرمادی الزاماً زیان حقوقی به همراه دارد، هر زیان حقوقی نمی‌تواند زیان غیرمادی محسوب شود. در حقیقت، همان‌طور که در قسمت قبل

۲۳. کرافورد؛ همان.

24. Street Children.

25. ICHR, Case of Street Children, 26 May 2001, para. 84.

26. Wittich, *op.cit.*

۲۷. سیفی، سیدجمال؛ حقوق مسئولیت بین‌المللی: گفتارهایی در مسئولیت بین‌المللی دولت، شهر دانش، ۱۴۰۰، ص ۱۱۵.

28. Fasoli, Elena, "Declaratory Judgments and Official Apologies as Forms of Reparation for the Non-Material Damage Suffered by the State: the Djibouti-France Case", *The Law and Practice of International Courts and Tribunals*, vol. 7, 2008, p. 182.

مطالعه شد، فقط آن دسته از زیان‌ها زیان غیرمادی به دولت به شمار می‌آیند که اقدامی علیه شأن، پرستیژ، نمادها یا حاکمیت یک دولت باشند در حالی که همه زیان‌های حقوقی چنین نیستند.<sup>۲۹</sup> قضیه جیبوتی و فرانسه در دیوان می‌تواند در تبیین این تفکیک مدرسان باشد. در این قضیه، دیوان با دو مسئله روبه‌رو بود: اول، آیا صدور ابلاغیه حضور به‌عنوان شاهد برای رئیس دولت و برخی دیگر از مقامات عالی‌رتبه جیبوتی، نقض کنوانسیون ۱۹۶۱ روابط دیپلماتیک به شمار می‌آید یا خیر؟<sup>۳۰</sup> دوم، آیا فرانسه با رد درخواست اجرای نیابت قضایی صادره از سوی جیبوتی، معاهده معاضدت قضایی میان طرفین را نقض کرده است یا خیر؟<sup>۳۱</sup> نقض ادعایی نخست، توأمان زیان حقوقی (نقض حق جیبوتی در کنوانسیون ۱۹۶۱ روابط کنسولی) و زیان غیرمادی (لطمه به شأن رهبران عالی‌رتبه جیبوتی) است اما نقض ادعایی دوم صرفاً زیان حقوقی تلقی می‌شود (نقض حق جیبوتی در معاهده دوجانبه معاضدت قضایی). به همین دلیل بود که خواهان در این قضیه عملاً خواستار جبران هر دو زیان حقوقی و غیرمادی شده بود.<sup>۳۲</sup> تفاوت دیگر میان زیان غیرمادی و حقوقی به این حقیقت برمی‌گردد که زیان غیرمادی عمدتاً خصلت «شخصی»<sup>۳۳</sup> داشته و متوجه یک یا چند دولت زیان‌دیده است اما به‌عکس، زیان حقوقی خصلت عام داشته و منجر به تضعیف حاکمیت قانون در پهنه بین‌المللی می‌شود.<sup>۳۴</sup>

تمایزهای فوق میان زیان حقوقی و زیان غیرمادی باعث شده تا تردیدهایی نسبت به امکان استفاده از جلب رضایت جهت جبران زیان حقوقی مطرح شود. از جمله کرافورد اعتقاد دارد روش‌های جبران خسارت به شرح موجود در پیش‌نویس مسئولیت، شامل زیان حقوقی نمی‌شود چرا که طبق ماده ۳۱ پیش‌نویس مذکور، خسارات قابل جبران فقط شامل زیان مادی و غیرمادی شده و در نتیجه زیان حقوقی از این دایره خارج می‌ماند و در مورد این نوع از زیان‌ها صرفاً دیگر پیامدهای مسئولیت یعنی توقف تخلف یا ارائه اطمینان‌ها و تضمین‌های عدم تکرار اجراشدنی است و نه جبران کامل.<sup>۳۵</sup> وی اعتقاد داشت که زیان حقوقی، عامدانه از پیش‌نویس مسئولیت بیرون گذاشته شده و اگر طبق تفسیر موسع، زیان حقوقی ذیل زیان غیرمادی قرار گیرد، تمایز میان دولت زیان‌دیده و دولت‌های ذی‌نفع که در ماده ۴۸ پیش‌نویس مسئولیت متبلور شده است، از میان می‌رود.<sup>۳۶</sup> طبق ماده اخیر، در تعهدات ارگامنس، دولتی به‌غیر از دولت مستقیماً زیان‌دیده

29. *Ibid.*

30. ICJ Rep., 2008, para. 465.

31. *Ibid.*, paras. 115–156.

32. *Ibid.*, paras. 151–152.

33. Subjective.

۳۴. حدادی، مهدی؛ تحول در اجرای مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، دادگستر، ۱۳۹۰، ص ۱۷۱.

۳۵. کرافورد؛ همان، صص ۶۱۰–۶۰۸.

۳۶. پیشین، ص ۶۰۹.

که به اصطلاح دولت ذی‌نفع خوانده می‌شود، حق استناد به مسئولیت دولت متخلف را داشته و اختیاراتی که البته محدودتر از اختیارات دولت مستقیماً زیان‌دیده است در واکنش به تخلف بین‌المللی پیدا می‌کند. دولت ذی‌نفع در ماده ۴۸ همان دولتی است که زیان حقوقی دیده اما دولت مستقیماً زیان‌دیده، دولتی است که بسته به مورد متحمل زیان غیرمادی یا مادی شده است. در نتیجه اگر زیان حقوقی ذیل زیان غیرمادی قرار گیرد، مرزهای تفکیک میان دولت زیان‌دیده و دولت ذی‌نفع از بین می‌رود.

با وجود مخالفت فوق، هم در رویه دولت‌ها و هم نزد دیوان، جلب رضایت، روش مناسب جبران زیان حقوقی تلقی شده است. مثلاً در قضیه جیبوتی علیه فرانسه که فوقاً تشریح شد، دیوان مقرر نمود که اعلام تخلف فرانسه که یکی از مصادیق جلب رضایت به شمار می‌آید، روش مناسب جبران تخلف این کشور از اجرای معاهده دو جانبه معاضدت قضایی است.<sup>۳۷</sup> در قضیه مرز زمینی و دریایی میان کامرون و نیجریه نیز کامرون اعتقاد داشت که لازم است دیوان در خصوص زیان حقوقی ناشی از عمل متخلفانه نیجریه، جبرانی از طریق اعلام متخلفانه بودن این عمل مقرر کند.<sup>۳۸</sup> بنابراین، جلب رضایت روش مناسبی برای جبران خسارات غیرمادی و حقوقی تلقی شده است.

## ۲. مبادی و موانع اجرای جلب رضایت

همان‌گونه که پیش‌تر بحث شد، مهم‌ترین کارکرد جلب رضایت، عذرخواهی از دولت زیان‌دیده و جلب رضایت خاطر اوست. این کارکرد به‌ناگزیر ایجاب می‌کند تا طیف گسترده‌ای از اقدامات، ذیل جلب رضایت قرار گیرند. در حقیقت، دولت زیان‌دیده باید در خصوص روش‌هایی که می‌تواند منجر به جلب رضایت او شود، از آزادی برخوردار باشد.<sup>۳۹</sup> به این ترتیب، اگرچه غرامت از طریق پرداخت وجوه مالی، و اعاده نیز از طریق بازگشت وضعیت به حالت قبل از وقوع فعل متخلفانه حاصل می‌شوند، جلب رضایت می‌تواند منعطف‌تر بوده و از طریق طیف متنوعی از اقدامات محقق شود. کمیسیون نیز اذعان دارد که شکل جلب رضایت، بسته به اوضاع و احوال متفاوت است و نمی‌توان به‌طور حصری مشخص کرد که چه نوعی از جلب رضایت می‌تواند مناسب باشد و در نتیجه، اعتراف به تخلف، ابراز ندامت، عذرخواهی رسمی و... تنها اشکالی محدود از روش‌های متنوع جلب رضایت به شمار می‌آیند.<sup>۴۰</sup> تنها محدودیت در این زمینه، ماده (۳) ۳۷ پیش‌نویس مسئولیت است که بر اساس آن جلب رضایت نباید با خسارت مورد نظر نامتناسب

37. ICJ Rep., 2008, p. 34, para. 211.

38. ICJ Rep., 2002, p. 303, para. 7.49.

39. Stoica, *op.cit.*, p. 149.

40. ARSIWA, Art. 37, Commentary. 11.



بوده و شکلی از تحقیر دولت مسئول را به همراه داشته باشد. همچنین جلب رضایت نمی‌تواند جنبه تنبیهی داشته باشد.<sup>۴۱</sup> دو ویژگی اخیر، خاص جلب رضایت نیستند بلکه سایر صور جبران خسارت نیز نمی‌توانند چنین باشند چرا که اساساً نظام مسئولیت در حقوق بین‌الملل، هرگز پذیرای خسارات تنبیهی نبوده است.<sup>۴۲</sup> به دیگر سخن، نظام مسئولیت بین‌المللی، عموماً مبتنی بر عدالت ترمیمی است تا عدالت کیفری.<sup>۴۳</sup>

با وجود تنوع اشکال جلب رضایت می‌توان این اشکال را در دو دسته کلی جلب رضایت به روش غیرمادی و جلب رضایت به روش مالی، یعنی پرداخت پول، طبقه‌بندی و مطالعه کرد.

## ۲-۱. جلب رضایت به روش غیرمادی

رویه دولت‌ها در خصوص جلب رضایت غیرمادی عمدتاً حول سه روش نضج گرفته است. اولین و عام‌ترین روش جلب رضایت غیرمادی، اعلام تخلف دولت متخلف از سوی مرجع رسیدگی‌کننده به یک اختلاف است. به عبارت دیگر، مرجع رسیدگی‌کننده با صدور «رأی اعلامی» بر وقوع تخلف صحه می‌گذارد.<sup>۴۴</sup> دیوان دائمی داوری در ۱۹۱۳ در قضیه مانوبا<sup>۴۵</sup> دعوای فرانسه علیه ایتالیا صراحتاً اعلام می‌دارد وقتی یک دولت از تعهدات خود شانه خالی می‌کند، اعلام وقوع تخلف بین‌المللی از سوی داور می‌تواند مجازاتی درخور برای آن دولت باشد.<sup>۴۶</sup> با توجه به اینکه نظام مسئولیت دولت‌ها فاقد خصیصه کیفری است، توصیف اعلام متخلفانه بودن عمل به‌عنوان مجازات، با خصلت‌های نظام مسئولیت بین‌المللی سازگار نیست اما رأی مذکور نشان‌دهنده آن است که اعلام متخلفانه بودن عمل به‌عنوان یکی از پیامدهای تخلف بین‌المللی دولت‌ها قدمتی دیرینه دارد. قضیه کانال کورفو و اعلام متخلفانه بودن عمل بریتانیا در نقض حاکمیت سرزمینی آلبانی از طریق مین‌روبی کانال کورفو نیز اولین مورد در رویه دیوان در توسل به این شکل از جلب رضایت به شمار می‌آید.<sup>۴۷</sup> این یافته دیوان به دو دلیل مورد انتقاد حقوق دانان مخالف قرار گرفت. نخست، به اعتقاد این عده، جلب رضایت صرفاً بر عهده دولت متخلف است و دیوان نمی‌تواند خودش را جانشین دولت متخلف کرده و به متخلفانه بودن عمل اذعان نماید و سپس با

41. Stioca, *op.cit.*, p. 149.

42. عبدالهی، محسن؛ «خسارت تنبیهی در حقوق بین‌الملل»، *مجله حقوقی*، نشریه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، شماره ۳۰، بهار ۱۳۸۳، ص ۸۹.

43. Shelton, Dinah, "Righting Wrongs: Reparations in the Articles on State Responsibility", *AJIL*, vol. 96, 2002, p. 844.

44. سیفی؛ همان، ص ۱۱۸.

45. Manouba

46. *Manouba Case*, France v. Italy, UNRIIAA, vol. XI, pp. 463-79.

47. ICJ Rep., 1949, p. 36.

قراردادن خود به جای دولت زیان‌دیده، این جلب رضایت را بپذیرد.<sup>۴۸</sup> انتقاد دوم، متوجه این ادعا بود که اعلام تخلف به خودی خود نمی‌تواند در التیام دولت زیان‌دیده اثری داشته باشد. اما باید توجه داشت که یکی از کارکردهای مراجع حل و فصل اختلاف، تثبیت حاکمیت قانون است. این هدفی است که منطقی‌تر سایر تابعان حقوق بین‌الملل از جمله دولت‌ها به‌عنوان تابع اصلی این نظم حقوقی در جستجوی آن هستند. بنابراین، دیوان از طریق اعلام متخلفانه بودن عمل، یعنی اقدامی که حاکمیت قانون را نقض کرده است، توأمان در صیانت از حاکمیت قانون و تحقق هدف دولت زیان‌دیده می‌کوشد. وانگهی دولت‌ها همواره نسبت به وجهه خود در پهنه بین‌المللی حساس‌اند و به همین دلیل تلاش می‌کنند تا از متخلف اعلام‌شدن از سوی مراجع حل اختلاف نجات یابند.<sup>۴۹</sup> بنابراین، انتساب صفت متخلفانه بودن به عمل یک دولت که هم‌زمان به معنای سلوک قانونمند طرف دیگر است، می‌تواند به منزله روشی مناسب در جلب خاطر دولت زیان‌دیده قلمداد شود. بنا به این دلایل، دیوان ضمن رد انتقاد مخالفان، در رویه‌های بعدی خود، اعلام متخلفانه بودن عمل یک دولت را پاسخی مناسب به خواسته دولت زیان‌دیده مبنی بر ارائه جلب رضایت دانسته است. قضیه نسل‌کشی، دومین فرصت دیوان برای توسل به این رهیافت بود. البته در این قضیه، خواهان (بوسنی) صراحتاً خواستار جلب رضایت نبود بلکه اعلام کرده بود که با توجه به وقوع اعمال متخلفانه از سوی خوانده (صربستان) علیه دولت و ملت بوسنی، این کشور شایسته برخورداری از جبرانی مناسب است؛ دیوان نیز اعلام می‌نماید که با توجه به شرایط این قضیه، حکم اعلامی مبنی بر متخلفانه بودن عمل خوانده، جلب رضایت مناسب محسوب می‌شود.<sup>۵۰</sup> قضایای قرار بازداشت<sup>۵۱</sup> و جیوتی علیه فرانسه<sup>۵۲</sup> از دیگر قضایایی به شمار می‌آیند که دیوان طی آن‌ها اعلام متخلفانه بودن فعل دولت خوانده را روش مناسب تحقق جلب رضایت اعلام کرده است.

روش دوم آنکه دولت‌ها به هنگام ایراد زیان غیرمادی به دولتی دیگر، تلاش کرده‌اند از طریق عذرخواهی رسمی یا ابراز تأسف، رضایت دولت زیان‌دیده را جلب کنند.<sup>۵۳</sup> عذرخواهی عموماً به معنای پذیرش عمل خطا و اظهار همدردی با زیان‌دیده است و در همین قالب نیز انجام

48. Kolb, Robert, *The International Court of Justice*, Hart Publishing, 2013, p. 920; McIntyre, Juliette, "Declaratory Judgments of the International Court of Justice", *Hague Yearbook of International Law*, vol. 25, 2012, p. 147.

49. Zyberi, Gentian, "The International Court of Justice and Applied Forms of Reparation for International Human Rights and Humanitarian Law Violations", *Utrecht Law Review*, vol. 7, 2011, p. 212.

50. ICJ Rep., 2007, p. 234, para. 463.

51. ICJ Rep., 2002, p. 3, paras. 11, 75.

52. ICJ Rep., 2008, p. 245, para. 204.

53. Dumberry, Patrick, "Satisfaction as a Form of Reparation for Moral Damages Suffered by Investors and Respondent States in Investor-State Arbitration Disputes", *Journal of International Dispute Settlement*, vol. 3, 2012, p. 212.

می‌شود. به همین دلیل است که عذرخواهی و تأسف عموماً در کنار هم به کار می‌روند.<sup>۵۴</sup> در رویه دولت‌ها موارد مختلفی از عذرخواهی و پذیرش خطا دیده می‌شود. دو مورد مشهور از این رویه‌ها به ایران مرتبط است. در ۱۷ مارس ۲۰۰۰، *مادلین آلبرایت*، وزیر امور خارجه وقت آمریکا، «نقش قابل توجه»<sup>۵۵</sup> کشورش در وقوع کودتا علیه دولت محمد مصدق را که نمونه آشکار مداخله در امور داخلی کشوری دیگر است، به‌عنوان عمل خطا پذیرفت.<sup>۵۶</sup> ده سال پیش از این نیز *رونالد ریگان*، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، بابت سرنگونی هواپیمای ایرباس ایران بر فراز خلیج فارس در ۳ ژوئیه ۱۹۸۸ که به شهادت ۲۹۰ مسافر این هواپیما منجر شد، «اظهار تأسف» کرده بود.<sup>۵۷</sup> قضیه مشهور *رینبو واریر* نیز نمونه دیگری در این زمینه است. در ۱۹۸۵ دو مأمور امنیتی فرانسه، کشتی موسوم به *رینبو واریر* را که در زلاندنو به دلیل اعتراض به سیاست‌های فرانسه پهلو گرفته بود، غرق کردند. زلاندنو این دو مأمور را بازداشت و به ۱۰ سال زندان محکوم کرد. فرانسه، زلاندنو را فاقد حق محاکمه این مأموران می‌دانست. طرف‌ها برای حل اختلاف به داوری دبیرکل وقت سازمان ملل متحد، *خاویر پرز دکوئیبار*، رضایت دادند.<sup>۵۸</sup> دکوئیبار در بخشی از رأی خود، زلاندنو را بابت خسارات غیرمالی مستحق عذرخواهی دانست. وی همچنین اعلام کرد که دو مأمور خاطی نیز باید به‌عنوان مجازات، سه سال را در جزیره هائو در تبعید به سر برند.<sup>۵۹</sup>

قسمت اخیر رأی داوری *رینبو واریر* یعنی مجازات فرد خاطی، شکل سوم جلب رضایت متداول تلقی می‌شود. ماده (۲) ۴۵ پیش‌نویس مسئولیت نسخه ۱۹۹۶ صراحتاً عنوان می‌داشت در مواردی که عمل متخلفانه ناشی از سوءرفتار شدید برخی از مقامات یا نقض شدید قوانین کیفری توسط اشخاص خصوصی است، جلب رضایت می‌تواند از طریق مجازات فرد بزهکار انجام شود.<sup>۶۰</sup> کمیسیون در نسخه ۲۰۰۱ ترجیح داد که مفاد مذکور را از متن مواد حذف و به بند ۵ شرح و تفسیر ماده ۳۷ منتقل کند. پس در جایی که تخلف دولت همراه با مسئولیت کیفری مقامات و نمایندگان آن است، صرف اعلام متخلفانه بودن عمل، به‌تنهایی نمی‌تواند جلب رضایت تلقی شود.<sup>۶۱</sup> پس از حمله به سفارت عربستان در تهران در ۱۲ دی ۱۳۹۴، برخی از حمله‌کنندگان

54. Bilder, Richard, "The Role of Apology in International Law and Diplomacy", *Virginia Journal of International Law*, vol. 46, 2006, p. 437.

55. Significant Role

56. Madeleine K., Albright, Press Briefing, available at: <<https://1997-2001.state.gov/statements/2000/000317.html>>, last seen 22 April 2022.

57. Bilder, *op.cit.*, p. 444; Josephs, H.K., "The Remedy of Apology in Comparative and International Law: Self-Healing and Reconciliation", *Emory International Law Review*, vol. 18, 2004, pp. 53-84.

58. *Rainbow Warrior*, 6 July 1986, UNRIIAA, vol. XIX, pp. 199-221.

59. *Ibid.*, p. 213.

60. ILC Yearbook, 1996, vol. II,II, pp. 58-65.

61. Liwanga, Roger-Claude, "Reparation for Violations of Human Rights Committed by States: An Analysis of the ICJ Judgment over the Drc Conflicts", *Boston University International Law Journal*, vol. 39, 2021, p. 12.

محاكمه و به مجازات حبس محكوم شدند. می‌توان محاکمه این افراد را در راستای جلب رضایت عربستان قلمداد کرد.

علاوه بر روش‌های فوق، برخی نویسندگان، تضمین‌ها و اطمینان‌های عدم تکرار فعل متخلفانه را که در شق (ب) ماده ۳۰ پیش‌نویس مسئولیت ذکر شده است مصداق دیگری از جلب رضایت دانسته‌اند. در قضیه لاگران نیز آلمان با درخواست ارائه تضمین‌ها و اطمینان‌های عدم تکرار توسط امریکا به نوعی به دنبال جلب رضایت بود.<sup>۶۲</sup> خود کمیسیون نیز در شرح و تفسیر شماره ۱۱ ماده ۳۰ اعلام می‌نماید که تضمین‌های عدم تکرار را «می‌توان از طریق جلب رضایت مطالبه کرد». اما حقیقت آن است که تضمین‌ها و اطمینان‌های عدم تکرار برخلاف جلب رضایت که فقط مختص زیان غیرمادی است درباره هر نوع زبانی کاربرد دارد. به عبارتی، پس از وقوع فعل متخلفانه، فارغ از ورود زیان مادی یا معنوی، در صورتی که شرایط اقتضا کند، دولت زیان‌دیده می‌تواند خواستار ارائه این نوع تضامین توسط دولت متخلف شود. به همین دلیل، کمیسیون در شرح و تفسیر مذکور تصریح می‌کند که تضمین‌های عدم تکرار برخلاف همگی صور جبران خسارت که تلاش می‌کنند رابطه صدمه‌دیده پیشین را ترمیم کنند، در پی «تحکیم دوباره تداوم رابطه حقوقی است و توجه آن معطوف به آینده است و نه گذشته».

## ۲-۲. جلب رضایت به روش مالی

جلب رضایت مالی به این معناست که دولت متخلف با پرداخت میزانی پول در صدد جلب رضایت موجودیت زیان‌دیده برآید. البته همان‌گونه که رابرت کولب<sup>۶۳</sup> می‌نویسد، می‌توان به جای پرداخت پول از ارائه کالا یا دارایی استفاده کرد.<sup>۶۴</sup> اصولاً انحصار جلب رضایت به زیان غیرمادی، امکان برخورداری از ابعاد مالی برای این نوع از جبران خسارت را با تردیدهایی مواجه می‌کند. در عوض، دیوان داوری در قضیه رینبو واریر اعتقاد دیگری داشت. همان‌طور که در قسمت قبل آمد، به حکم داور مقرر شد مأموران فرانسوی تا سه سال در جزیره هائو در تبعید باشند، اما فرانسه بدون اجازه زلاندنو، مأموران خود را از جزیره هائو بیرون آورد<sup>۶۵</sup> و این موضوع باعث شد تا مجدداً اختلاف طرفین به داوری ارجاع شود. داوری دوم رینبو واریر صراحتاً اعلام کرد که پرداخت وجه می‌تواند در برخی از زیان‌های غیرمالی، جبران مناسب به شمار آید.<sup>۶۶</sup> کمیسیون نیز اعتقاد دارد که اصولاً همه زیان‌های غیرمادی قابل ارزیابی مالی هستند و

62. ICJ Rep., 2001, paras. 472-473.

63. Robert Kolb.

64. کولب؛ همان، ص ۱۸۳.

65. *Rainbow Warrior Affair, op.cit.*, p. 217.

66. *Ibid.*, para. 115.

می‌توان آن‌ها را با پرداخت وجه جبران کرد.<sup>۶۷</sup> اما اطلاق موجود در نظریه کمیسیون، مرز میان غرامت و جلب رضایت را کمرنگ می‌کند. این در حالی است که در رویه‌های اندک موجود در خصوص جلب رضایت به روش مالی، تفاوت‌های آشکار میان غرامت و جلب رضایت حفظ شده است. در حقیقت، در غرامت، میزان وجوه مالی که متخلف ملزم به پرداخت آن شده است، دقیقاً متناسب با خسارت ایجاد شده است اما در جلب رضایت، یک مبلغ کلی که نمایانگر خسارت وارده به زیان‌دیده است، ملاک عمل قرار می‌گیرد.<sup>۶۸</sup> به عبارت دیگر، مراجع حل و فصل اختلاف به هنگام صدور رأی به پرداخت غرامت، میزان خسارت وارده را مدنظر داشته‌اند اما در خصوص جلب رضایت مالی، عمدتاً «ملاحظات منصفانه» ملاک تصمیم‌گیری بوده است، چرا که برخلاف نظریه کمیسیون، زیان‌های غیرمادی، به‌سختی قابل تقویم مالی هستند.<sup>۶۹</sup> به همین دلیل، همان‌گونه که در ادامه خواهد آمد (قضیه ذرت لاین علیه یمن)، میزان جلب رضایت مالی اعلامی از سوی مرجع حل و فصل اختلاف بسیار کمتر از آن چیزی است که خواهان مطالبه کرده است.

در قسمت بعدی چهار قضیه مهم در حوزه زیان غیرمادی بررسی می‌شوند. این قضایا، دو ویژگی اصلی جلب رضایت مالی را نمایش می‌دهند. اول آنکه جلب رضایت مالی برای همه‌گونه زیان‌های غیرمادی کاربرد ندارد. *آرانجیو - روئیز*،<sup>۷۰</sup> گزارشگر چهارم کمیسیون در موضوع پیش‌نویس مسئولیت اعتقاد داشت، جلب رضایت مالی مختص زیان‌های غیرمادی وارده به افراد است و نمی‌توان آن را به زیان‌های وارده به دولت تسری داد. شمار دیگری از نظریه‌پردازان نیز از این نظریه دفاع کرده‌اند.<sup>۷۱</sup> قضیه *لافیکو* که در آن، عذرخواهی روش مناسب جبران زیان غیرمادی به دولت لیبی و پرداخت وجه، روش مناسب جبران زیان غیرمادی به اتباع لیبی است، این ویژگی را به‌خوبی نشان می‌دهد. دوم اینکه همه زیان‌های غیرمادی وارد به افراد، شایسته جلب رضایت مالی نبوده‌اند. جلب رضایت مالی صرفاً در قضایایی مورد حکم قرار گرفته که زیان غیرمادی وارد به اشخاص، وخامت و شدت قابل توجهی داشته است. قضایای *لمیر و کاسادو* به منظور تبیین این ویژگی مورد توجه قرار گرفته‌اند.

67. ARSIWA, Art. 37, Commentary, 11.

68. Parish, Matthew, *et al.*, "Awarding Moral Damages to Respondent States in Investment Arbitration", *Berkeley Journal of International Law*, vol. 39, 2011, p. 230.

69. Riedel, Eibe, "Satisfaction", in: Pike, Linda J. (ed.), *Encyclopedia of Disputes Installment*, Martinus Nijhoff, 1997, p. 21.

70. Arangio-Ruiz.

71. Wittich, *op.cit.*, pp. 329-330.

### الف. قضیه دزرت لاین علیه یمن

شرکت عمانی دزرت لاین قراردادهای مختلفی را در سال‌های ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۳ با دولت یمن درباره ساخت جاده امضا کرد.<sup>۷۲</sup> مدتی بعد یمن از پرداخت فاکتورهای ساخت این جاده‌ها خودداری کرده و سپس شرکت عمانی را وادار به امضای قراردادی یک‌طرفه برای حل و فصل فاکتورهای فوق کرد.<sup>۷۳</sup> شرکت دزرت لاین در ۲۰۰۵ به ایکسید مراجعه و ادعا کرد که یمن با اقدامات خود شرط رفتار عادلانه و منصفانه مندرج در قرارداد دوجانبه سرمایه‌گذاری میان عمان و یمن را نقض کرده است.<sup>۷۴</sup> این شرکت همچنین مدعی بود که مأموران نظامی یمنی به زور اسلحه، مدیران شرکت را وادار به امضای قرارداد حل و فصل اختلاف کرده‌اند. این شرکت در دادخواست خود طلب ۲۵۰ میلیون دلار غرامت کرده بود که از جمله شامل ۱۰۰ میلیون دلار بابت زیان غیرمادی می‌شد.<sup>۷۵</sup> دیوان داورى ضمن تأیید استحقاق خواهان به جبران زیان غیرمادی، تنها به ۱ میلیون دلار جلب رضایت مالی حکم صادر کرد.<sup>۷۶</sup>

دو نتیجه از رأی فوق قابل استنباط است. نخست، اصولاً جلب رضایت مالی برخلاف غرامت، نسبت چندانی با خسارت وارده ندارد چرا که قوام مالی زیان غیرمادی اصولاً قابل اندازه‌گیری نیست. در حالی که خواسته خواهان دریافت ۱۰۰ میلیون دلار بابت جلب رضایت زیان غیرمادی بود، دیوان داورى تنها به یک درصد آن حکم داد. ثانیاً همان‌گونه که برخی نویسندگان به درستی اشاره کرده‌اند، مبنای دیوان داورى برای گرایش به سمت جلب رضایت مالی در قضیه حاضر، به اقدام دولت یمن در استفاده از زور مسلحانه علیه خواهان مربوط می‌شود. به عبارت دیگر، وخامت و شدت زیان غیرمادی، صدور رأی به جلب رضایت غیرمالی را ضروری می‌کرد، در حالی که اگر چنین شدت عملی از سوی دولت یمن وجود نداشت، چنین حکمی نمی‌توانست توجیه‌پذیر باشد.<sup>۷۷</sup>

### ب. قضیه لافیکو

بروندی و لیبی در ۱۹۷۵ با امضای موافقت‌نامه‌ای بین‌المللی، یک هلدینگ تجاری با عنوان «هلدینگ جمهوری عربی لیبی و بروندی»<sup>۷۸</sup> را ایجاد کردند تا برخی سرمایه‌گذاری‌ها در اقتصاد بروندی از این طریق محقق شود. ۶۰ درصد سهام این هلدینگ دولتی در اختیار دولت لیبی و

72. Desert Line Projects LLC v. Republic of Yemen, ICSID (W. Bank), Case No. ARB/05/17, 2008, paras. 1-14.

73. *Ibid.*, paras. 18-48.

74. *Ibid.*, para. 50.

75. *Ibid.*, para. 58.

76. *Ibid.*, paras. 253-290.

77. Gaillard, Emmanuel, "Desert Line v. Yemen: Moral Damages", *New York Law Journal*, vol. 3, 2008, p. 240; Dumberry, *op.cit.*, p. 253.

78. Libyan Arab Republic-Burundi Holding Company

مابقی در مالکیت دولت برون‌دی بود. دولت لیبی در ۱۹۸۳ سهام خود را در این هلدینگ به شرکت دولتی دیگری که «شرکت سرمایه‌گذاری خارجی لیبی» بود و به اختصار لافیکو<sup>۷۹</sup> خوانده می‌شد، واگذار کرد. در ۱۹۸۹ و به دنبال تنش‌های سیاسی میان دو کشور و قطع روابط دیپلماتیک، برون‌دی تصمیم به اخراج کلیه اتباع لیبیایی گرفت و شروع به مصادره اموال آنان کرد.<sup>۸۰</sup> در اثر این اقدام، مدیران ارشد لافیکو که همگی اتباع لیبی بودند از برون‌دی اخراج شدند. لافیکو اعتقاد داشت که اخراج مدیران ارشد و ایجاد ممانعت در انجام فعالیت‌های این شرکت، مغایر با موافقت‌نامه ۱۹۷۵ بوده و به همین دلیل این موضوع را مستند به شرط داوری موجود در موافقت‌نامه مذکور به مرجع حل اختلاف ارجاع کرد. این شرکت از داوری تقاضای غرامت ۶ میلیون دلاری بابت خسارات مادی و ۳ میلیون دلاری بابت خسارت غیرمادی نمود. داوری در رأی سال ۱۹۹۱ خود اعلام کرد که اقدام مقامات برون‌دی ناقض موافقت‌نامه ۱۹۷۵ بوده و هم به شرکت لافیکو به‌عنوان شرکت دولتی و هم به اتباع لیبی (مدیران لافیکو) زیان وارد کرده است. داوری بر این نظر بود که «اقدامات برون‌دی زیان شدید به شهرت شرکت لافیکو وارد کرده است» و در نتیجه زیان غیرمادی به این موجودیت دولتی محرز است.<sup>۸۱</sup> داوری در خصوص جبران زیان غیرمادی اعلام کرد که این یافته که رفتار برون‌دی، عمل خلاف حقوق بین‌الملل به شمار می‌آید، جلب رضایتی مناسب برای لافیکو به‌عنوان شخص حقوقی دولتی است.<sup>۸۲</sup> اما در خصوص زیان غیرمادی به مدیران ارشد لافیکو به‌عنوان اشخاص حقیقی، دیوان رأی به پرداخت ۱۰ هزار دلار داد.<sup>۸۳</sup> در این قضیه، زیان غیرمادی به لافیکو به‌عنوان شرکت دولتی و زیان به مدیران این شرکت در اثر اقداماتی یکسان ایجاد شده بود. اما داوری برای زیان‌های فوق، دو جبران متفاوت تقریر می‌کند: اعلام متخلفانه بودن عمل برون‌دی به‌عنوان جلب رضایت غیرمالی برای زیان وارده به لافیکو و پرداخت ۱۰ هزار دلار، یعنی جلب رضایت مالی برای زیان به اشخاص حقیقی. از طرف دیگر، شدت و وخامت زیان غیرمادی به مدیران لافیکو نیز از مصادره همه اموال اتباع لیبی و اخراج آن‌ها بدون توجیه حقوقی قابل احراز است.

### ج. قضیه کاسادو<sup>۸۴</sup> علیه شیلی

قضیه کاسادو علیه شیلی مبین آن است که در صورت عدم شدت زیان غیرمادی به اشخاص

79. Libyan Arab Foreign Investment Company (LAFICO).

80. Libyan Arab Foreign Investment Company (LAFICO) v. Republic of Burundi, 4 March 1991, ILR, vol. 96, p. 279.

81. *Ibid.*, p. 329.

82. *Ibid.*

83. *Ibid.*, pp. 329–330.

84. Casado.

حقیقی، امکان صدور رأی به جلب رضایت مالی وجود ندارد. قضیه اخیر به این واقعیت مربوط می‌شد که به دنبال کودتای ژنرال پینوشه در ۱۹۷۳ در شیلی، سهام ویکتور پی کاسادو<sup>۸۵</sup> تبعه اسپانیایی در یک روزنامه محلی شیلی ضبط شد.<sup>۸۶</sup> وی در اواخر دهه ۱۹۸۰ و به دنبال روی کار آمدن دولت جدید شیلی به این کشور بازگشت و در دادگاه‌های شیلی طلب جبران خسارت کرد. این شکایت نتیجه‌ای به همراه نداشت و به همین دلیل او در ۱۹۹۷ متوسل به شرط داوری مندرج در معاهده سرمایه‌گذاری میان اسپانیا و شیلی شد.<sup>۸۷</sup> از آنجا که معاهده مذکور در ۱۹۹۴ امضا شده بود، داوری اعلام کرد که برای رسیدگی به وقایع پیش از این سال واجد صلاحیت نیست اما خودداری دادگاه‌های شیلی از احقاق حق خواهان به منزله نقض تعهد این کشور به رفتار منصفانه و عادلانه مندرج در معاهده است و خواهان مستحق دریافت خسارتی به میزان ۱۰ میلیون دلار بابت خساراتی همچون هزینه دادرسی است.<sup>۸۸</sup> اما داوری در خصوص زیان غیرمادی اعلام کرد که استتکاف از احقاق حق به خودی خود، نوعی زیان غیرمادی بوده و اعلام متخلفانه بودن آن، جبران کافی محسوب می‌شود.<sup>۸۹</sup>

#### د. قضیه لمیر<sup>۹۰</sup> علیه اوکراین

قضیه لمیر علیه اوکراین شباهت‌های بسیاری به قضیه قبلی دارد؛ با این تفاوت که در قضیه لمیر، داوری صراحتاً با تأکید بر ضرورت «عمده و قابل توجه بودن» زیان غیرمادی به منظور صدور رأی به جلب رضایت مالی اعلام می‌نماید که آستانه چنین زبانی در حقوق بین‌الملل بسیار بالاست. در این قضیه، یک تبعه امریکایی به نام لمیر در رادیو و تلویزیون اوکراین سرمایه‌گذاری کرده و بعد از مدتی مدعی شد که اوکراین بدون هیچ‌گونه دلیل موجهی همه پیشنهادهای وی مبنی بر راه‌اندازی و استفاده از نرم‌افزارهایی جهت تقویت فرکانس‌ها را رد کرده است.<sup>۹۱</sup> بعد از شکست مذاکرات میان طرف‌ها، لمیر ترجیح داد که متوسل به شرط داوری مندرج در معاهده سرمایه‌گذاری میان اوکراین و امریکا شود. او علاوه بر ادعای خسارت مادی، لطمه به شهرت و اعتبار شرکت خود را دلیلی برای دریافت زیان غیرمادی می‌دانست. داوری در رأی خود اعلام کرد که اوکراین رفتار عادلانه و منصفانه موجود در معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری را نقض کرده و

85. Victor Pay Casado.

86. Pey Casado and President Allende Foundation v. Republic of Chile, ICSID (Case ARB/98/2), 8 May 2008, para. 27.

87. *Ibid.*, para. 665.

88. *Ibid.*, para. 685.

89. *Ibid.*, para. 704.

90. Lemir.

91. Lemire v. Ukraine, ICSID (Case ARB/06/18), 21 January 2010, para. 27.



به همین دلیل خواهان مستحق غرامت بابت خسارات مادی است.<sup>۹۲</sup> در خصوص زیان غیرمادی، داوری اعلام می‌کند که نمی‌تواند ورود چنین زبانی به خواهان را انکار کند<sup>۹۳</sup> اما می‌افزاید که باید بررسی کرد که آیا شرایط حاکم بر وقوع زیان غیرمادی می‌تواند نشانگر «شرایط ویژه‌ای» باشد که برای تعیین غرامات مالی ضروری است؟<sup>۹۴</sup> به اعتقاد داوری، برای آنکه بتوان در خصوص زیان غیرمادی، رأی به پرداخت وجه داد، لازم است که «علت و آثار» عملی که منجر به زیان غیرمادی شده است «عمده و قابل توجه»<sup>۹۵</sup> باشد.<sup>۹۶</sup> سپس داوری این معیار را نسبت به وقایع موجود در این قضیه مطابقت داده و نتیجه‌گیری کرد که نمی‌تواند ادعای خواهان را بپذیرد،<sup>۹۷</sup> چرا که اصولاً این دست از خسارات، فاقد شدت ضروری برای صدور حکم به جبران خسارت هستند.<sup>۹۸</sup>

### ۳. جلب رضایت در قضیه جبران خسارت در دیوان بین‌المللی دادگستری

پیش از ورود به ابعاد موضوعی و حکمی قضیه، لازم به توضیح است که الزام به جبران خسارت، بر مبنای دلایل و منطقی‌های مختلفی قابل توجیه است. مهم‌ترین منطق پذیرفته‌شده در این زمینه، «عدالت ترمیمی» است؛ یعنی نهاد جبران خسارت در صدد است تا خطای انجام‌شده در حق طرف زیان‌دیده را جبران کند.<sup>۹۹</sup> به عبارت دیگر، جبران خسارت، مکانیزمی است که بر اساس آن تلاش می‌شود تا طرف زیان‌دیده در همان موقعیتی قرار گیرد که در صورت عدم وقوع فعل متخلفانه وجود می‌داشت. از طرف دیگر در غیاب قدرت مرکزی در حقوق بین‌الملل که بتواند با مجازات طرف متخلف، در مقابل فعل متخلفانه در آینده بازدارندگی ایجاد کند، الزام به جبران خسارت می‌تواند چنین نقشی را در عالم حقوق بین‌الملل ایفا کند.<sup>۱۰۰</sup>

پس از وقوع فعل متخلفانه یعنی نقض قاعده اولیه، تعهد به جبران خسارت به‌عنوان قاعده ثانویه بر عهده دولت متخلف قرار می‌گیرد. اما تعهد به جبران خسارت، هرگز جانشین تعهد اولیه نقض‌نشده نمی‌شود. به عبارت دیگر، چنانچه تعهد اولیه همچنان پابرجا باشد، دولت متخلف پس

92. *Ibid.*, para. 56.

93. *Ibid.*, para. 449.

94. *Ibid.*, para. 486.

95. Grave or Substantial.

96. *Lemire v. Ukraine*, ICSID (Case ARB/06/18), 28 March 2011, para. 333.

97. *Ibid.*, para. 336.

98. *Ibid.*, para. 338.

99. Musa, Shavana, *Victim Reparation under the Ius Post Bellum An Historical and Normative Perspective*, Cambridge University Press, 2019, p. 209.

100. *Ibid.*

از وقوع فعل متخلفانه، دو تکلیف پیدا می‌کند: تداوم تعهد اولیه و ارائه جبران خسارت.<sup>۱۰۱</sup> باید توجه داشت که یکی از پیامدهای رابطه جدایی‌ناپذیر میان تخلف بین‌المللی و تعهد به جبران خسارت، مستقیماً بر صلاحیت مراجع حل و فصل اختلاف اثرگذار است. به عبارت دیگر، هر زمان این مراجع، خود را صالح به ارزیابی فعل یک دولت به‌عنوان عمل متخلفانه دانسته‌اند، مبنای صلاحیتی جداگانه دیگری برای حکم به جبران خسارت نیاز نداشته‌اند.<sup>۱۰۲</sup> از جمله دیوان در قضیه لاگرانند اعلام کرد «هنگامی که صلاحیت نسبت به یک اختلاف وجود دارد، هیچ مبنای صلاحیتی دیگری برای ارزیابی موضوع جبران خسارت آن عمل نیاز نیست».<sup>۱۰۳</sup> در میان اشکال جبران خسارت، عموماً اعاده، بیشتر از سایر صور جبران خسارت مورد نظر کشورها بوده است. این موضوع به این واقعیت مربوط می‌شود که اعاده برخلاف غرامت که متوجه جبران خسارت سابق است، به ترمیم مناسبات آینده دولت‌ها منجر می‌شود<sup>۱۰۴</sup> و طبیعی است که دولت‌ها در انتخاب میان گذشته و آینده، جانب دومی را گیرند.<sup>۱۰۵</sup> در بیش از یک‌صد قضیه‌ای که دیوان بین‌المللی دادگستری در آن حکم صادر کرد، دیوان تنها در چهار قضیه به نحو کامل به موضوع جبران خسارت ناشی از اعمال متخلفانه ورود کرده است: قضایای کورفو، احمدو صادیو دیالو، برخی فعالیت‌های مرزی میان کاستاریکا و نیکاراگوئه و جبران خسارت. در سه قضیه نخست، دیوان پس از بررسی قواعد اولیه و احراز تخلف از آن‌ها به سراغ موضوع جبران خسارت می‌رود اما قضیه چهارم از ابتدا و به‌طور کامل به موضوع جبران خسارت اختصاص داشت. از آنجا که دولت خواهان (کنگو) در این قضیه علاوه بر سایر صور جبران خسارت، درخواست جلب رضایت نیز کرده بود، دیوان فرصت یافت تا نظر خود را در خصوص برخی ابعاد این نوع از جبران خسارت اعلام کند. پیش از ورود به مسائل حکمی این قضیه، باید مسائل موضوعی مهم آن را بررسی کرد.

### ۳-۱. مسائل موضوعی: از زمین جنگ به محکمه دیوان

با تشدید مخاصمات نظامی میان دولت کنگو و شبه‌نظامیان در شرق این کشور در ۱۹۹۸، رهبر کنگو از اوگاندا، همسایه شرقی خود تقاضای مداخله نظامی کرد. به این ترتیب، ارتش اوگاندا وارد خاک کنگو شد اما بعد از مدتی، تنش‌های سیاسی میان این دو کشور سبب شد که هدف نظامیان

101. Stern, Brigitte, "The Obligation to Make Reparation", in: Crawford, et al., *The Law of International Responsibility*, Oxford University Press, 2010, p. 563.

102. Shelton, Dinah, *op.cit.*, p. 837.

103. ICJ Rep., 2001, p. 485, para. 48.

۱۰۴. برای اطلاع از نظر مخالف که اعاده را بخشی از ترمیم مناسبات گذشته می‌داند، ن.ک: کولب؛ همان، ص ۱۷۲.

105. Shelton, *op.cit.*, p. 839.

اوگاندايي به سمت سرنگونی دولت مرکزی کنگو تغییر کند.<sup>۱۰۶</sup> به همین دلیل، کنگو در ۱۹۹۹ با توسل به دیوان درخواست کرد تا فعالیت‌های نظامی اوگاندا مغایر با حقوق بین‌الملل اعلام شود.<sup>۱۰۷</sup> دیوان در رأی ۲۰۰۵ خود اوگاندا را بابت اشغال سرزمینی کنگو محکوم و اعلام کرد که خوانده به دلیل نقض تعهداتش، متعهد به جبران خسارات وارده به کنگو است.<sup>۱۰۸</sup> دیوان همچنین افزود اگر طرفین درباره شیوه و میزان جبران خسارات به توافق نرسند، موضوع قابل طرح نزد دیوان خواهد بود.<sup>۱۰۹</sup> با شکست اقدامات تقریباً ده‌ساله دو طرف در خصوص جبران خسارت، کنگو در ۱۳ مه ۲۰۱۵ با تقدیم دادخواستی به دیوان، تقاضای جبران خسارت کرد. از آنجا که شرایط اعاده یعنی امکان بازگشت وضع به حال سابق وجود نداشت، این مورد از جبران خسارت در دادخواست کنگو دیده نمی‌شود. اما این کشور به ادعای خسارت به اتباع (شامل مرگ، جراحات، تجاوز و خشونت جنسی، به‌کارگیری کودکان در جنگ و جابجایی اجباری مردم)، خسارت به اموال، خسارت به منابع طبیعی (شامل معادن، پوشش گیاهی و حیوانی) و خسارت به اقتصاد کلان تقاضای غرامت کرده<sup>۱۱۰</sup> و با لحاظ جلب رضایت در دادخواست خود بابت زیان غیرمادی، از دیوان درخواست کرد تا اوگاندا را متعهد به پرداخت بالغ بر ۱۱ میلیارد دلار کند.<sup>۱۱۱</sup> نهایتاً دیوان با رد بخش اعظمی از درخواست کنگو، اوگاندا را محکوم به پرداخت ۳۲۵ دلار غرامت کرد. یکی از خواسته‌های کنگو در این قضیه، ارائه جلب رضایت بابت زیان‌های غیرمادی از سوی اوگاندا بود که در قسمت بعد بررسی می‌شود.

### ۲-۳. رؤس سه‌گانه جلب رضایت مورد درخواست کنگو

کنگو در دادخواست خود مدعی شده بود که مخاصمات مسلحانه در سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۳ به دولت و مردم کنگو زیان غیرمادی وارد کرده و به منظور جبران این زیان‌ها، اوگاندا باید به سه روش، جلب رضایت دولت خواهان را حاصل کند: (۱) انجام تحقیقات کیفی و تعقیب مأموران و سربازان نیروهای دفاع ملی اوگاندا که مرتکب نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه در سرزمین کنگو شده‌اند؛ (۲) پرداخت ۲۵ میلیون دلار به منظور ایجاد صندوقی در جهت ترویج مصالحه میان قوم حما<sup>۱۱۲</sup> و لندو<sup>۱۱۳</sup> در منطقه ایتوری.<sup>۱۱۴</sup> لازم به ذکر است که اشغال نظامی شرق کنگو توسط

۱۰۶. عزیزی، ستار؛ «بررسی مشروعیت دعوت از مداخله خارجی در مخاصمات داخلی: با تأکید بر رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه فعالیت‌های نظامی در سرزمین کنگو»، پژوهش حقوق و سیاست، دوره ۱۳، شماره ۳۳، ۱۳۹۰، ص ۱۸۹.

107. ICJ Rep., 2005, p. 180, para. 23

108. *Ibid.*, p. 115, para. 345.

109. *Ibid.*

110. ICJ Rep., 2022, p. 19, para. 45.

111. *Ibid.*

112. Hema.

اوگاندا باعث نزاع‌های مسلحانه قومی میان اقوام حما و لندو شده بود و به همین دلیل کنگو به دنبال رهیافتی برای مصالحه میان این دو قوم بود. ۳) پرداخت مبلغ ۱۰۰ میلیون دلار بابت زیان‌های غیرمادی ناشی از جنگ.<sup>۱۱۵</sup>

مورد نخست از موارد سه‌گانه جلب رضایت کنگو در دسته جلب رضایت‌های غیرمالی قرار می‌گیرد و همان‌طور که پیش از این بحث شد، یکی از متداول‌ترین جلب رضایت‌های مورد درخواست دولت‌ها است. اما مورد دوم شایسته تأمل بیشتری است. به نظر می‌رسد که ایجاد صندوق به منظور مصالحه و آشتی میان اقوام حما و لندو بیش از آنکه نمایانگر جلب رضایت باشد، با اعاده تناسب بیشتری دارد. همان‌طور که کمیسیون نیز متذکر شد، تعریف واحدی از اعاده وجود ندارد اما می‌توان آن را به معنای برقراری وضعیتی دانست که در صورت عدم ارتکاب تخلف وجود می‌داشت.<sup>۱۱۶</sup> بنابراین اگرچه اعاده در قالب بازگشت وضع به سابق انجام می‌شود، شیوه اجرای آن بسته به تعهد اولیه می‌تواند متفاوت و متنوع باشد.<sup>۱۱۷</sup> به همین دلیل در قضیه حاضر اعاده می‌تواند از طریق برقراری یک صندوق به جهت تسریع و تسهیل برقراری مصالحه و روابط حسنه‌ای باشد که پیش از اشغال شرق کنگو توسط اوگاندا میان اقوام حما و لندو وجود داشت.

مورد سوم ظاهراً در دسته جلب رضایت مالی قرار می‌گیرد و می‌تواند برخلاف رویه‌های سابق که در این مقاله دیده شدند، نشان‌دهنده رویه‌ای دولتی به سود جلب رضایت مالی در مورد زیان‌های غیرمادی وارده به دولت باشد. اما در خصوص این نتیجه‌گیری باید با احتیاط رفتار کرد. اولاً همان‌گونه که کنگو در دادخواست خود نوشته، این کشور بسیاری از جبران خسارات مورد درخواست را به سبب زیان‌های وارده به مردم خود طلب کرده است.<sup>۱۱۸</sup> از آنجا که کنگو در مورد مطالبه ۱۰۰ میلیون دلار به‌عنوان جلب رضایت، تعریضی نداشت، ممکن است این کشور اساساً مبلغ فوق را به‌عنوان جلب رضایت مالی برای اتباع خود سراغ گرفته باشد و نه زیان‌های وارده به دولت. دوم و مهم‌تر آنکه حتی به فرض که کنگو به دنبال جلب رضایت مالی برای زیان‌های غیرمادی به دولت بوده باشد، نمی‌توان آن را به‌عنوان اعتقاد عام این دولت در نظر گرفت چرا که بند ۷،۶۵ دادخواست کنگو یادآور شده است که شرایط استثنایی قضیه حاضر، روش‌های استثنایی

113. Lendu.

114. Ituri.

115. *Ibid.*, p. 102, para. 385.

116. ARSIWA, Art. 35, Commentary 2.

117. Gray, C., "The Different Forms of Reparation: Restitution", in: Crawford, *et al.*, *The Law of International Responsibility*, Oxford University Press, 2010, p. 594.

118. Memorial Of Uganda, 28 Sep 2016, para. 7.82.

جبران خسارت را می‌طلبد.<sup>۱۱۹</sup> بنابراین نمی‌توان جلب رضایت مالی را روش عادی و متداول جبران خسارات وارده در خصوص زیان‌های غیرمادی به دولت از منظر کنگو محسوب کرد.

### ۳-۳. پاسخ دیوان: تأیید و ردیه‌های متناقض

دیوان در پاسخ به درخواست جلب رضایت کنگو، ابتدا مقدماتی مختصر در خصوص این نوع از جبران خسارت اعلام می‌دارد. در بیان نخست، دیوان بر ماهیت استثنایی جلب رضایت صحنه‌گذارده و اشعار می‌دارد که این نوع از جبران خسارت «در مواردی کاربرد دارد که غرامت نتواند همه آثار ناشی از عمل متخلفانه را از میان ببرد».<sup>۱۲۰</sup> سپس دیوان با یادآوری رویه قضایی گذشته خود بیان می‌کند که «در اکثر موارد، اعلام متخلفانه بودن عمل، جلب رضایت مناسب به شمار می‌آید».<sup>۱۲۱</sup> اما بلافاصله یادآور انعطاف ذاتی موجود در جلب رضایت شده و تصریح می‌دارد که «با توجه به اوضاع و احوال هر قضیه، شکل جلب رضایت می‌تواند متفاوت باشد» و اینکه «اشکال جلب رضایت ذکرشده در بند دوم ماده ۳۷ پیش‌نویس مسئولیت جنبه حصری ندارند».<sup>۱۲۲</sup>

بعد از مقدمه فوق، دیوان وارد بررسی سه‌گونه جلب رضایت درخواستی کنگو می‌شود. دیوان در خصوص مورد اول جلب رضایت یعنی تعقیب کیفری عاملان نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه در شرق کنگو اعلام می‌کند که با عنایت به اینکه در رأی ۲۰۰۵ خود اعلام کرده است که نظامیان اوگاندایی مرتکب نقض کنوانسیون‌های ژنو شده‌اند، مطابق با مواد ۱۴۶ کنوانسیون چهارم ژنو و ماده ۸۵ پروتکل اول الحاقی، اوگاندا به تعقیب و مجازات افراد فوق متعهد است؛ لذا نیازی به صدور اقدامی در راستای جلب رضایت نمی‌بیند.<sup>۱۲۳</sup> به عبارت دیگر، از منظر دیوان، چون اوگاندا به یک تعهد اولیه مشابه با خواسته کنگو متعهد است، دلیلی برای صدور رأی به جبران خسارت وجود ندارد. اما یافته دیوان نه با منطق حقوقی سازگار است و نه با رویه خود دیوان. در عالم حقوق، مبانی تعهد می‌تواند گوناگون باشد. تقید به یک تعهد بر اساس مبنایی خاص نمی‌تواند مانع از تقید به همان تعهد بر اساس مبنای جدید و متفاوتی باشد. اتفاقاً تعهدات حقوق بشردوستانه که مورد اشاره دیوان در همین قضیه بوده‌اند، از جمله تعهداتی هستند که عمدتاً هم ریشه عرفی دارند و هم معاهداتی. از طرف دیگر، در بسیاری از قضایای سابق، دیوان در حالی بعد از احراز تخلف دولت خوانده، وی را محکوم به انجام اقدام خاصی نموده که

119. *Ibid.*, para. 7.65.

120. ICJ Rep., p. 102, para. 387.

121. *Ibid.*, p. 103, para. 389.

122. *Ibid.*

123. *Ibid.*, p. 103, para. 390.

آن دولت پیش از آن رأی نیز تعهد اولیه به انجام آن اقدام داشت. از جمله در قضیه کارکنان دیپلماتیک امریکا در تهران، دیوان در حالی رأی به آزادی دیپلمات‌های امریکایی و پاسداشت این آزادی از سوی ایران صادر کرد که ایران طبق کنوانسیون روابط دیپلماتیک مقید به چنین تعهدی بود.<sup>۱۲۴</sup>

دیوان در خصوص جلب رضایت دوم (تأسیس صندوق به قصد مصالحه میان اقوام) رأی سال ۲۰۰۵ خود را یادآور می‌شود که اعلام داشته بود نظامیان اوگاندایی «جنگ‌های قومی را تحریک کرده و هیچ اقدامی برای ممانعت از چنین جنگ‌هایی انجام نداده‌اند» و سپس می‌افزاید: «زیان مادی ناشی از این جنگ با غرامت صادره [در دیگر قسمت‌های رأی] پوشش داده شده است».<sup>۱۲۵</sup>

دیوان در خصوص زیان غیرمادی، یافته بی‌سابقه و تأمل‌برانگیزی را انشا می‌نماید: «دیوان طرفین را به همکاری با حسن‌نیت در به‌کارگیری روش و ابزارهای متفاوت به منظور ترویج مصالحه میان گروه‌های قومی حما و لندو و تضمین صلح پایدار میان آن‌ها دعوت می‌کند».<sup>۱۲۶</sup> به این ترتیب، ظاهراً دیوان تقاضای جلب رضایت خواهان را پذیرفته اما روش تحقق آن را تغییر داده و برای نخستین بار در رویه دیوان، دولت زیان‌دیده را متعهد کرده تا در فرآیند جبران خسارات وارده به خودش مشارکت داشته باشد. باید به خاطر داشت که در فرآیند تدوین پیش‌نویس مسئولیت، روبرتو آگو، دومین گزارشگر ویژه کمیسیون، برای نخستین بار، تلاش مؤثری کرد تا روح دوجانبه حاکم بر قواعد مسئولیت دولت را تغییر داده<sup>۱۲۷</sup> و این قواعد را شامل فراگردهایی کند که صرفاً به دولت متخلف و زیان‌دیده محدود نمی‌شود.<sup>۱۲۸</sup> این نگرش، پای طرف‌های دیگری به‌غیر از دولت‌های متخلف را به فرآیند جبران خسارت وسط می‌کشد اما متعهددانستن خود دولت زیان‌دیده در این فرآیند، چیزی فراتر از ایده چندجانبه‌نگرانه آگو به پروژه مسئولیت دولت‌ها است. شاید بتوان واکنش دیوان به درخواست دوم جلب رضایت کنگو را بازتابی از ایده متفکرانی همچون کرافورد یا کریستین تامس<sup>۱۲۹</sup> دانست که کارکرد اصلی قواعد مسئولیت

124. ICJ Rep., 1980, pp. 23-24, paras. 44-45.

125. ICJ Rep., 2022, p. 103, para. 391.

126. *Ibid.*

127. ابراهیم گل، علیرضا؛ اقدامات متقابل و مسئولیت بین‌المللی ناشی از منافع جمعی، خرسندی، ۱۳۹۲، صص ۱۲۳-۱۲۰؛ کریمی، سیامک و رضا اسمخانی؛ «مسئولیت اشتقاقی ناشی از کمک یا مساعدت دولت‌های ثالث در کاربرد سلاح‌های شیمیایی توسط عراق علیه ایران»، در زمانی، سیدقاسم؛ مجموعه مقالات همایش احقاق حقوق قربانیان کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ عراق با ایران در مراجع ملی و بین‌المللی، شهر دانش، ص ۴۲۸.

128. Spinedi, Maria, "From One Codification to Another: Bilateralism and Multilateralism in the Genesis of the Codification of the Law of Treaties and the Law of State Responsibility", *EJIL*, vol. 13, Issue 5, 2002, p. 1109.

129. Christian Tams.

بین‌المللی را حاکمیت قانون می‌دانند.<sup>۱۳۰</sup> در این چارچوب، بعد از وقوع تخلف بین‌المللی باید برای احیای حاکمیت قانون، چه از طریق دولت متخلف یا از طریق دولت زیان‌دیده کوشید. به هر روی باید منتظر ماند و دید آیا دیوان این رهیافت را در رویه‌های بعدی خود فربه‌تر می‌کند یا اینکه صرفاً دستاویزی برای رد درخواست دولت خواهان بود.

سرنوشت خواستهٔ سوم نیز تفاوتی با دو خواستهٔ اول ندارد و دیوان اعلام می‌دارد که نمی‌تواند این خواسته را بپذیرد چرا که «با توجه به موضوع جبران خسارت در حقوق بین‌الملل و رویهٔ بین‌المللی... هیچ مبنایی برای صدور رأی به جلب رضایت [مالی] دربارهٔ زیان‌های غیرمادی وارده به کنگو ... وجود ندارد».<sup>۱۳۱</sup> عبارت‌پردازی دیوان مفید آن است که به‌طور ضمنی جلب رضایت مورد درخواست خواهان را مالی قلمداد نموده و مطابق با رویه‌های موجود، آن را رد کرده است. این فرضیه زمانی تقویت می‌شود که دیوان در جملهٔ بعدی اعلام می‌کند که «کمیسیون دعاوی اریتره - اتیوپی، ادعای اتیوپی در خصوص [جلب رضایت مالی بابت] زیان‌های غیرمادی وارده به مردم و دولت اتیوپی را رد کرد».<sup>۱۳۲</sup> در رأی کمیسیون دعاوی اریتره - اتیوپی اعلام شده که جلب رضایت مالی بابت زیان‌های غیرمادی زمانی پذیرفته شد که این زیان به افراد یا تعداد مشخصی از گروه‌های کوچک وارد شده باشد.<sup>۱۳۳</sup> به عبارت دیگر، کمیسیون نیز جلب رضایت مالی را صرفاً در خصوص زیان وارده به موجودیت‌های غیردولتی پذیرفته است و ارجاع دیوان به این بند نیز مبین آن است که همچون کمیسیون، جلب رضایت مالی در خصوص زیان وارده به دولت را معتبر نمی‌داند. اما تنها چند کلمهٔ بعد، این نتیجه‌گیری نقش بر آب می‌شود چرا که دیوان در جملاتی خلاف یافته‌های قبل می‌نویسد: «در اوضاع و احوال این قضیه، دیوان چنین ملاحظه می‌کند که زیان غیرمادی که کنگو به دنبال جلب رضایت برای آن‌هاست در مبالغ کلی [گرامت] بابت رؤس خسارات وارده لحاظ شده است». بنابراین دیوان بیان می‌کند که پرداخت پول بابت جبران زیان‌های غیرمادی در مبالغ صادره در بخش‌های قبلی رأی وجود دارد. بنابراین فراز اخیر رأی دیوان مبین آن است که از منظر قضات این دادگاه، صدور رأی به جلب رضایت مالی امکان‌پذیر است. تنها تفسیری که می‌تواند همچنان بند اخیر رأی دیوان را در چارچوب رویه قضایی موجود حفظ کند چنین خواهد بود که فرض شود دیوان با توجه به اینکه کنگو در دادخواست خود مشخص نکرده که جلب رضایت مالی را بابت زیان غیرمادی وارد به خود طلب می‌کند یا به اتباع‌اش، صدور رأی به جلب رضایت مالی بابت زیان به دولت کنگو را رد نموده و

۱۳۰. کرافورد؛ همان، ص ۵۷۴ و همچنین:

Tams, C., "Recognizing Guarantees and Assurances of Non-Repetition: Lagrand and the Law of the State Responsibility", *Yale JIL*, vol. 27, 2002, p. 444.

131. ICJ Rep., 2022, p. 103, para. 392.

132. *Ibid.*

133. Eritrea-Ethiopia Claims Commission - Final Award, 17 August 2009, para. 61.

آن را از طریق استناد به رویه قضایی کمیسیون دعاوی اریتره - اتیوپی تحکیم کرده و سپس با پذیرش جلب رضایت مالی بابت زیان به اتباع کنگو، اعلام کرده که این موضوع در غرامت صادره لحاظ شده است.

### نتیجه

دیوان بین‌المللی دادگستری در ۹ فوریه ۲۰۲۲ کامل‌ترین رأی خود را در خصوص مسئله جبران خسارات در حقوق بین‌الملل ارائه کرد. در نگاه نخست، تصور می‌شد که این رأی بتواند ابعاد مبهم موضوع جبران خسارت در حقوق بین‌الملل را روشن کند اما این تلقی نمی‌تواند حداقل در زمینه جلب رضایت یعنی یکی از صور سه‌گانه جبران خسارت به‌طور کامل درست باشد. باید توجه داشت که اگرچه برای تحقق مسئولیت بین‌المللی نیاز به ایراد هیچ‌گونه زبانی نیست، در عمل در اکثر موارد، تخلف بین‌المللی به زیان مادی یا غیرمادی منجر می‌شود. چنانچه زیان حقوقی نیز ذیل زیان غیرمادی قرار گیرد، همه تخلف‌ها و نه اکثر آن‌ها به زیان منجر می‌شوند. یافته‌های این مقاله نشان داد که اگرچه زیان حقوقی می‌تواند در طبقه‌بندی جداگانه‌ای از زیان غیرمادی قرار گیرد، رویه قضایی از جبران آن به روشی مشابه زیان غیرمادی حمایت کرده است. برخلاف غرامت که به‌طور کامل، و اعاده که در اکثر موارد برای جبران زیان‌های مادی کاربرد دارند، جلب رضایت، روش جبران زیان غیرمادی است و از طریق آن کوشیده می‌شود تا رضایت خاطر دولت زیان‌دیده جلب شود. در نتیجه، تحقق جلب رضایت همچون اعاده و غرامت نیاز به اقدام از سوی دولت متخلف دارد اما دیوان در قضیه جبران خسارت برای نخستین بار در رویه خود اعلام داشت که ممکن است شرایطی وجود داشته باشد که دولت زیان‌دیده نیز ناچار باشد در فرآیند جبران خسارت مشارکت کند. به نظر می‌رسد دیوان در صدد است تا این رویه را در پیش گیرد که در جایی که زیان‌دیده، موجودیتی به‌غیر از خود دولت خواهان است (اقوام‌لند و حما در قضیه جبران خسارت) امکان مشارکت‌دادن دولت خواهان در فرآیند جبران توجیه‌پذیر است. از طرف دیگر، اگرچه تعهد به جلب رضایت به‌عنوان یکی از پیامدهای نظام مسئولیت بین‌المللی به قواعد ثانویه حقوق بین‌الملل اختصاص دارد و از زمره قواعد اولیه خارج است، همان‌گونه که این مقاله نشان داد، دیوان در قضیه جبران خسارت، به‌صرف این‌که اوگاندا مطابق با کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل اول الحاقی، تعهد اولیه به تعقیب و کیفر ناقضان حقوق بشردوستانه دارد، از رأی به تعقیب نظامیان اوگاندایی خودداری کرد. این در حالی است که پیش از این، دیوان جدایی میان قواعد اولیه و ثانویه حقوق بین‌الملل و تعدد مبانی تعهد را پذیرفته بود. اما در قضیه حاضر بدون هیچ توضیحی رویه خود را تغییر داد.



نهایتاً رویه دولتی، رویه قضایی و دکترین بر سر این موضوع اشتراک نظر دارند که جلب رضایت، منعطف‌ترین روش جبران خسارت بوده و می‌تواند به گونه‌های مختلفی انجام شود. با وجود این تنوع، برای مطالعه دقیق‌تر، همه انواع و مصادیق جلب رضایت را می‌توان در دو دسته قرار داد: جلب رضایت غیرمادی و جلب رضایت مالی. مطالعات این مقاله مشخص کرد که جلب رضایت مالی که از طریق پرداخت پول حاصل می‌شود صرفاً در شرایط بسیار استثنایی و صرفاً بابت زیان غیرمادی وارد به موجودیت‌های غیردولتی کاربرد دارد. به عبارت دیگر، شعائر و ارزش‌های دولتی دارای چنان خصلت‌های استعلایی هستند که خدشه به آن‌ها قابل جبران با پرداخت پول نیست. این مقاله نشان داد که دیوان در رأی جبران خسارت به نحو مبهم و متزلزلی به این یافته وفادار مانده است.

## منابع:

## الف. فارسی

## \_ کتاب

- ابراهیم گل، علیرضا؛ اقدامات متقابل و مسئولیت بین‌المللی ناشی از منافع جمعی، خرسندی، ۱۳۹۲.
- حدادی، مهدی؛ تحول در اجرای مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، دادگستر، ۱۳۹۰.
- سیفی، سیدجمال؛ حقوق مسئولیت بین‌المللی: گفتارهایی در مسئولیت بین‌المللی دولت، شهر دانش، ۱۴۰۰.
- کرافورد، جیمز؛ مسئولیت بین‌المللی دولت: قواعد عمومی، ترجمه: علیرضا ابراهیم گل و همکاران، سنگلج، ۱۳۹۵.
- کولب، رابرت؛ بایسته‌های حقوق مسئولیت بین‌المللی، ترجمه: حسین سادات‌میدانی و همکاران، مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۴۰۰.

## \_ مقاله

- عبدالهی، محسن؛ «خسارت تنبیهی در حقوق بین‌الملل»، مجله حقوقی، نشریه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، شماره ۳۰، بهار ۱۳۸۳.
- عزیزی، ستار؛ «بررسی مشروعیت دعوت از مداخله خارجی در مداخلات داخلی: با تأکید بر رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه فعالیت‌های نظامی در سرزمین کنگو»، پژوهش حقوق و سیاست، دوره ۱۳، شماره ۳۳، ۱۳۹۰.
- کریمی، سیامک و رضا اسمخانی؛ «مسئولیت اشتقاقی ناشی از کمک یا مساعدت دولت‌های ثالث در کاربرد سلاح‌های شیمیایی توسط عراق علیه ایران»، در زمانی، سیدقاسم؛ مجموعه مقالات همایش احقاق حقوق قربانیان کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ عراق با ایران در مراجع ملی و بین‌المللی، شهر دانش، ۱۳۹۵.

## ب. انگلیسی

## - Books

1. Amerasinghe, Chittharanjan, *Jurisdiction of Specific International Tribunals*, Martinus Nijhoff, 2011.
2. Gray, Christine, *Judicial Remedies in International Law*, Bidles, 2012.
3. Kolb, Robert, *The International Court of Justice*, Hart Publishing, 2013.

4. Musa, Shavana, *Victim Reparation under the Ius Post Bellum: An Historical and Normative Perspective*, Cambridge University Press, 2019.
5. Stoica, Victor, *Remedies before the International Court of Justice: A Systemic Analysis*, Oxford University Press, 2021.

**- Articles**

1. Bilder, Richard, "The Role of Apology in International Law and Diplomacy", *Virginia Journal of International Law*, vol. 46, 2006.
2. Dumberry, Patrick, "Satisfaction as a Form of Reparation for Moral Damages Suffered by Investors and Respondent States in Investor-State Arbitration Disputes", *Journal of International Dispute Settlement*, vol. 3, 2012.
3. Fasoli, Elena, "Declaratory Judgments and Official Apologies as Forms of Reparation for the Non-Material Damage Suffered by the State: The Djibouti-France Case", *The Law and Practice of International Courts and Tribunals*, vol. 7, 2008.
4. Gaillard, Emmanuel, "Desert Line v. Yemen: Moral Damages", *New York Law Journal*, vol. 3, 2008.
5. Gray, C., "The Different Forms of Reparation: Restitution", in: Crawford, *et al.*, *The Law of International Responsibility*, Oxford University Press, 2010.
6. Josephs, H.K., "The Remedy of Apology in Comparative and International Law: Self-Healing and Reconciliation", *Emory International Law Review*, vol. 18, 2004.
7. Liwanga, Roger-Claude, "Reparation for Violations of Human Rights Committed by States: An Analysis of The ICJ Judgment over The Drc Conflicts", *Boston University International Law Journal*, vol. 39, 2021.
8. Markert, L., Freiburg, E., "Moral Damages in International Investment Disputes-On the Search for a Legal Basis and Guiding Principles", *Journal of World Investment & Trade*, vol. 14, 2018.
9. McIntyre, Juliette, "Declaratory Judgments of the International Court of Justice", *Hague Yearbook of International Law*, vol. 25, 2012.
10. Parish, Matthew, *et al.*, "Awarding Moral Damages to Respondent States in Investment Arbitration", *Berkeley Journal of International Law*, vol. 39, 2011.
11. Pirim, Ceren, "Reparation by Pecuniary Means of Direct Moral Damages Suffered by States as a Result of Internationally Wrongful Acts", *Journal of International Dispute Settlement*, vol. 11, 2020.
12. Riedel, Eibe, "Satisfaction", in: Pike, Linda J. (ed.), *Encyclopedia of Disputes Installment*, Martinus Nijhoff, 1997.
13. Shelton, Dinah, "Righting Wrongs: Reparations in the Articles on State Responsibility", *AJIL*, vol. 96, 2002.

14. Spinedi, Maria, "From One Codification to Another: Bilateralism and Multilateralism in the Genesis of the Codification of the Law of Treaties and the Law of State Responsibility", *EJIL*, vol. 13, Issue 5, 2002.
15. Stern, Brigitte, "The Obligation To Make Reparation", in: Crawford, *et al.*, *The Law of International Responsibility*, Oxford University Press, 2010.
16. Tams, C., "Recognizing Guarantees and Assurances of Non-Repetition: Lagrand and the Law of the State Responsibility", *Yale JIL*, vol. 27, 2002.
17. Wittich, S., "Non-Material Damage and Monetary Reparation in International Law", *Finnish Yearbook of International Law*, vol. 15, 2004.
18. Zyberi, Gentian, "The International Court of Justice and Applied Forms of Reparation for International Human Rights and Humanitarian Law Violations", *Utrecht Law Review*, vol. 7, 2011.

**- Case Law**

1. Desert Line Projects LLC v. Republic of Yemen, ICSID (W. Bank), Case No. ARB/05/17, 2008.
2. ICHR, Case of Street Children, 26 May 2001.
3. Lemire v. Ukraine, ICSID (Case ARB/06/18), 21 January 2010.
4. Libyan Arab Foreign Investment Company (LAFICO) v. Republic of Burundi, 4 March 1991, ILR Vo. 96.
5. Pey Casado and President Allende Foundation v. Republic of Chile, ICSID (Case ARB/98/2), 8 May 2008.
6. *Rainbow Warrior*, 6 July 1986, UNRIAA, vol. XIX,